



احکام فقهی تزیین مسجد و مقابر وامکان مقدسه

شهره نیکو کلام نظیف*

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

مسجد، مکان مقدس و محل عبادت مسلمانان است، احکام خاصی دارد و رعایت آنها برای حرمت و شأن این مکان لازم است؛ لیکن بدون شک از گناهان بزرگ، اهانت نمودن به مسجد و هتک حرمت آن است. یکی از مهمترین چیزهایی که در مورد احکام فقهی تزیین مسجد همچون، رعایت سادگی بنای مسجد، تزیین مسجد با طلا، نقاشی کردن عکس در مسجد، تزیین و آراستن قبور ائمه (ع) و تزیین کردن کعبه با طلا اشاره کرد. و روایتی از رسول اکرم (ص) نقل شده که فرمود: «مساجد خود را همانند یهود و نصارا که معابد خود را با طلا زینت نمودند، با طلا زینت نکنید». و از مجموعه روایاتی فهمیده می شود که اساسا بنای مساجد به زیور و زینت دنیوی نیست؛ چرا که مساجد، محل عبادت حق تعالی و جایگاه زهد و ورزیدن نسبت به امور دنیوی است، از همین رو مساجد نباید مانند کاخ ها باشد. در این تحقیق به بررسی احکام فقهی تزیین مساجد و مقبره پرداخته شده است روایات و کلام فقها به این نتیجه رسید که تزیین با طلا و نقاشی کردن در مسجد نیز کراهت دارد و آراستن قبور ائمه (ع) با طلا و نقره منعی ندارد همچون تزیین کردن کعبه با طلا جایز نیست.

کلید واژگان: احکام فقهی، تزیین، مسجد، قبور ائمه، کعبه



مقدمه

مسجد، اسم مکان و در لغت به معنای جای سجده و عبادت است (فرهنگ عمید) و در اصطلاح، به مکانی گفته می‌شود که جایگاه عبادت و خضوع و خشوع است. هر چند واژه مسجد در مورد چهار دیواری خاصی به کار می‌رود که برای عبادت ساخته شده است، اما در اسلام همه زمین، پاک و پاکیزه است و می‌تواند سجده گاه و مسجد مؤمن قرار گیرد. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی پس از بیان فضیلت مسجد الحرام و مسجد الأقصی، به ابوذر فرمود: "حیثما ادر کتک الصلاة فصل و الأرض لک مسجد؛ (صحیح مسلم، ج ۲) هر جا وقت نماز رسید، همان جا نماز بخوان که سرتاسر زمین برای تو مسجد است". واژه مسجد، با صیغه‌های مختلف ۲۹ بار در قرآن به کار رفته و در بیشتر موارد، منظور مسجد الحرام است که به عنوان نخستین مسجد روی زمین شناخته و برای عبادت مردم ساخته شده است: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ)؛ (آل عمران ۹۶) "نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شده است، خانه‌ای است در مکه که مایه برکت و هدایت برای جهانیان است". مهم‌ترین نقش مسجد، مرکزیت بخشیدن به عبادت مسلمانان است. مسجد محیطی، است که انسان ناپاک نباید وارد آن شود و فضا و زمین آن باید از هر گونه پلیدی محفوظ باشد. مسجد علاوه بر مرکزیت برای عبادت، محلی برای نشان دادن اتحاد و هماهنگی امت و تمسک جمعی به «حبل الله» برای رسیدن به اهداف الهی و انسانی، مرکزی برای حکومت و پس از آن، مکانی برای تعلیم و تعلم بود. جایگاه مسجد در فرهنگ اهل بیت (ع) مهمان‌خانه خدا در زمین، جایگاه نزول خیرات و برکات آسمانی، خانه آگاهی و عبادت، عشق و محبت، صفا و صمیمیت، ایثار و رحمت، تجلی گاه بهشت در زمین و تفریح گاه موحدان است. (وسائل الشیعه، ج ۳) خداوند متعال می‌فرماید: (وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا)؛ (جن ۱۸) "مساجد برای خداست. پس احدی را جز او نخوانید"؛ یعنی همه چیز در مساجد برای خداست. در مورد تاکید به حضور در مسجد را پیامبر اکرم (ص) به ابوذر فرمود: "ای اباذرا مادامی که تو در مسجد هستی، خداوند در مقابل هر نفسی که می‌کشی، یک درجه در بهشت به تو عطا می‌کند و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند و برای تو برای هر نفس در مسجد، ده حسنه می‌نویسند و ده گناه از تو پاک می‌کنند". (فسیر معین) یکی از مهمترین مسائل میان مسلمانان مکان عبادت آنهاست و خداوند متعال علت خلقت انسان هارا غبودیت و بندگی بیان کرده است و نیز خداوند می‌فرماید: "و ما خَلَقَتِ الْجِنَّ وَالْإِنْسَانَ إِلَّا لِيَعْبُدُون"، و ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند (ذاریات/۵۶). هدف اصلی پژوهش حاضر شناخت احکام فقهی تزیین مسجد و مقابر و اماکن مقدسه می‌باشد.

رعایت سادگی در بنای مسجد

بسیاری از مسائل مربوط به کیفیت ساختمان و بنای مسجد به شرایط زمان و مکان بستگی دارد؛ از جمله نکاتی که باید در امر ساخت مسجد باید بحث رعایت سادگی در بنای مسجد توجه شود، در این زمینه باید گفت اگر کسی ادعا کند



که از مجموع روایاتی که در باره مسجد از پیامبر اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) صادر و استفاده می شود که بنای شارع مقدس بر آن است که این مکان در عین شکوه معنوی و عظمت و قداست خاص خویش، از نظر ظاهری، ساده و از پیرایش های مادی به دور باشد، سخن گزافی نگفته است. به علاوه اینکه، مساجدی که توسط پیامبر اسلام (ص) بنا شده، همگی از سادگی فوق العاده برخوردار بوده و در نهایت، بی پیراستگی ساخته شده است. به عنوان مثال: امام صادق (ع) ماجرای ساختن مسجد رسول خدا (ص) در مدینه را چنین نقل می فرماید: "رسول خدا (ص) دیوار مسجد خود را با پهنای یک خشت بالا برد، مدتی گذشت و شمار نمازگزاران افزون شد و گفتند: ای رسول خدا کاش می فرمودید تا مسجد را وسیع کنند. رسول خدا (ص) فرمود: بلی. بعد فرمود تا به صحن مسجد افزودند و دیوار مسجد را با یک خشت و نیم بالا بردند. بعد از مدتی، باز به شمار مسلمانان افزوده شد، گفتند: ای رسول خدا کاش می فرمودید تا بر وسعت مسجد بیفزایند. رسول خدا (ص) فرمود: بلی و دستور داد تا به وسعت مسجد افزودند و دیوار مسجد را با دو خشت نر و ماده بنا کردند. گرمای تابستان شدید شد، گفتند: ای رسول خدا کاش می فرمودید تا مسجد را سایه کنند. رسول خدا (ص) فرمود: آری و فرمود تا از تیرهای درخت خرما شمع زدند و سقفی برافراشتند و با شاخه درخت خرما و بوته های گور گیاه سایه بان ساختند. هنگام بارش شدید باران آب از لابلای شاخه ها سرازیر شد، گفتند: ای رسول خدا کاش می فرمودید تا سقف مسجد را با گل پوشانند. رسول خدا (ص) به آنان فرمود: نه. فقط سایبان، همانند سایبان موسی بن عمران (ع) و تا رسول خدا (ص) زنده بود، ساختمان مسجد به همان صورت باقی بود." (کلینی).

احکام تزئین و پیراستگی مسجد با طلا

هنگام ساختن مسجد باید تزئین و پیراستگی آن مد نظر قرار گیرد. تزئین مسجد، از جمله چیزهایی که به آن توجه شده، تزئین مسجد به وسیله طلا است. در این زمینه روایات فراوانی از معصومان (ع) نقل شده است که: پیامبر اکرم (ص) در وصیت خویش به ابن مسعود می فرماید: "ای پسر مسعود: کسی که در دنیا در لذت و نعمت است چه سودی می برد وقتی در آتش ابدی دوزخ خواهد بود، خانه ها می سازند و کاخ های رفیع بر می افزایند و مسجدها را با طلا تزئین می کنند." (طبرسی) روشن است که این کلام رسول خدا (ص) در مقام ملامت و سرزنش است و آن حضرت کسانی که مساجد را با طلا تزئین می کنند، مورد نکوهش قرار داده اند. در برخی از روایات، ضمن نهی از پیراستن مساجد با طلا، از این کار به عنوان عمل قوم یهود و نصارا یاد شده است. از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: "مساجد خود را همانند یهود و نصارا که معابد خود را با طلا زینت نمودند، با طلا زینت نکنید." (نوری) البته از مجموعه روایاتی که مربوط به مسجد است، فهمیده می شود که اساسا بنای مساجد به زیور و زینت دنیوی نیست؛ چرا که مساجد، محل عبادت حق تعالی و جایگاه زهد و وزیدن نسبت به امور دنیوی است، از همین رو مساجد نباید مانند کاخها، محل سرگرم شدن و مغرور



شدن به دنیا وشادی باشند، بلکه میتوان گفت آراستن مساجد به طلا چه بسا که نیت و قصد اشخاص را نیز مخدوش نماید(نجفی).

نقاشی کردن عکس در مسجد

یکی از مسائلی که در ساخت و معماری مسجد باید مورد توجه قرار گیرد، این است که باید از نقاشی کردن مسجد خودداری شود. فقیهان نقاشی نمودن مسجد را جایز ندانسته اند(برخی از فقیهان به حسب فتوا). در رساله های عملیه آمده است: بنا بر احتیاط واجب نباید صورت چیزهایی مثل انسان و حیوان، که روح دارند، در مسجد نقاشی کنند. اما نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل درختان، گلها و بوته ها مکروه است (توضیح المسائل، محقق). آنچه که در کلمات فقیهان به عنوان مستند این حکم ذکر شده، یکی مشهور بودن آن و دیگری بدعت بودن نقاشی در مسجد است. علاوه بر این، حدیث عمرو بن جمیع نیز در همین زمینه وارد شده است که می گوید: "از امام صادق (ع) در مورد مساجدی که دارای نقاشی و تصاویر است، سؤال نمودم. امام (ع) فرمود: من این کار را خوش نمی دارم؛ ولی این امر امروزه به شما ضرری نمی زند، اگر (حکومت) عدل برپا بود می دیدید که در این زمینه چگونه عمل می شد (کلینی). البته برخی از فقیهان، دلایل فوق را برای اثبات حکم حرمت، ضعیف دانسته اند و به همین دلیل نقاشی نمودن مسجد را مکروه شمرده اند. در مورد نصب عکس در مسجد، گفتنی است که نصب عکسهای مربوط به رجال فضیلت و شهدا در مسجد، به خودی خود مانعی ندارد. بلبه از آنجا که نماز خواندن روبرو عکس؛ بلکه در جایی که عکس باشد اگر چه روبرو نماز گزار نباشد، مکروه است. وجود این عکس ها در هنگام نماز کراهت دارد و می توان برای رفع کراهت، در هنگام نماز خواندن روی عکس ها را با پرده و مانند پوشاند(استفتاءات، ج ۱؛ موسوی خمینی). در این زمینه به چند استفتاء و پاسخ آن اشاره می شود: سؤال: در رساله حضرت عالی، نقاشی و تصویر در مساجد به احتیاط واجب منع شده است، آیا این منع شامل عکس هم می شود یا نه؟ جواب: شامل نمی شود(استفتاءات، ج ۱؛ موسوی خمینی). سؤال: امروزه در بعضی از مساجد و یا مکان هایی که نماز جمعه اقامه می شود، عکس ها و پوسترهایی روبرو نماز گزاران نصب می شود، آیا نماز خواندن در این مکان ها اشکال دارد؟ جواب: نماز صحیح است هر چند در مقابل نماز گزار بودن آن کراهت دارد و کراهت به اینکه روی آن را با وسیله ای بپوشانند، رفع می شود(استفتاءات، ج ۱؛ موسوی خمینی). سؤال: آیا در مقابل نماز گزار عکس مکه حرام است یا نه؟ چرا؟ و عکس های غیر از عکس مکه چطور؟ جواب: حرام نیست و اگر تصویر ذی روح باشد، مکروه است (استفتاءات، ج ۱؛ موسوی خمینی).



تزئین و آراستن قبور ائمه (ع)

تزئین و آراستن قبور ائمه (ع) اگر چه با طلا و نقره هم باشد، هیچ حرمت و منع شرعی ندارد و در کتاب و سنت نبوی هم از حرمت یا کراهت این کار سخنی به میان نیامده است و چنین کاری صرفاً به جهت تکریم و تعظیم و بزرگداشت مقام آنان و ابراز محبت و عشق نسبت به آنان است و این همان کاری است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به عنوان اجر رسالت از مسلمانان تقاضا نموده است "قل لا استلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی" (شوری ۲۳) ای پیامبر به آنان بگو که در برابر انجام رسالت، هیچ اجر و مزدی از شما طلب نمی کنم مگر دوستی و محبت اهل بیتم. و در متون فریقین وارد شده که مراد از "القربی" اهل بیت (ع) هستند، (معجم کبیر طبرانی) لذا شیعیان، ساختن بنا بر قبور ائمه (ع) جهت تسهیل در امر زیارت زائران و تعظیم، آراستن، تزئین و تطهیر آن را نوعی ابراز عشق و محبت و دوستی نسبت به اهل بیت و أداء اجر رسالت می دانند. البته تنها دلیلی که به عنوان مانع از جواز تزئین مشاهد مشرفه می تواند ذکر شود، اسراف است و چون تزئین به خاطر غرض عقلایی و معتدبه، یعنی تحسین و تعظیم شاعر و محبت نسبت به اهل بیت است از تحت عنوان اسراف خارج می شود (معجم کبیر طبرانی)

البته، چون در بین شیعیان، ائمه و اهلیت پیامبر علیهم السلام از جایگاه و منزلت و مقام والایی برخوردارند، لذا قبور آنان به صورت رفیع و باشکوه و عظمت و مزین ساخته می شود که در واقع این کار نوعی تعظیم و احترام و بزرگداشت مقام آنان محسوب می شود، چنانچه در دیگر بلاد و دیگر ادیان هم مرسوم است که قبور و آرامگاه شخصیت های سیاسی و مذهبی خود را مجلل و باشکوه می سازند و یا در مکان های خاص و ویژه ای آنان را دفن می کنند که این کار به جهت تجلیل و بزرگداشت مقام آنان است. روایاتی حتی در کتب شیعه وجود دارد که ساخت و ساز در کنار قبور را ممنوع دانسته تا آنجایی که ساخت مسجد را در آن جا روا نمی دانند. در کتاب (من لا یحضره الفقیه) و (وسائل الشیعه) از امام جعفر صادق چنین نقل شده است: "پیامبر ص از اینکه بر قبری نماز بگذارند، یا بر آن بنشینند و یا بر آن بنا و ضریح بسازند، نهی فرموده است و یهود و نصارا را لعنت نموده اند که قبور انبیاء را مسجد ساختند." و در فروع الکافی، من لا یحضره الفقیه، و وسائل الشیعه از سماعة ابن مهران روایت است که گفت: درباره زیارت قبور و ساختن مسجد بر آن از امام جعفر صادق پرسیدم ایشان فرمود: زیارت قبور اشکالی ندارد، اما در کنار قبر مسجد ساخته نشود. و همچنین در (من لا یحضره الفقیه) از امام جعفر صادق روایت است که می فرماید: "هر چیزی که غیر از خاک خود قبر بر روی قبر گذاشته و یا ریخته شود بر مرده سنگینی می کند." و در (فروع الکافی، و وسائل الشیعه) از امام جعفر صادق روایت است که رسول الله ص فرموده اند: "جز خاکی که از خود قبر بیرون آورده شده خاک دیگری بر آن ریخته نشود. روایتی در (من لا یحضره الفقیه، و وسائل الشیعه) از امیر المؤمنین علی است که فرموده اند: "کسی که قبری را باز سازی کند یا تمثالی بسازد یقیناً و بدون شک از اسلام خارج شده است." و در (وسائل الشیعه) از جعفر صادق به نقل از امیر المؤمنین (ع) روایت فرمود: "رسول الله ص مرا به مدینه فرستاد و فرمود: هر عکسی که دیدی نابود کن، و هر قبری را دیدی هموارش کن." و در (الاستبصار، و وسائل الشیعه)



از علی بن جعفر: روایت است که از امام موسی کاظم پرسیدم: آیا ساختن قبر و نشستن بر آن جایز است؟ فرمود: ساختن قبر و نشستن بر آن و گنج کردن و گل کردن آن جایز نیست. در پاسخ اجمالی نیز در قرآن کریم، صریحا در جریان نقل داستان اصحاب کهف، بنای مسجد بر قبر آنان را عنوان نموده و بر آن مهر تأیید نهاده است. روایات بسیاری وجود دارد که عبادت نزد قبور اولیای الهی را نه تنها مجاز، بلکه دارای ثواب و پاداشی مضاعف اعلام می کند. از آن سو، روایاتی نیز وجود دارند که شاید در نگاه اول بتوان آنان را در تعارض با آیه شریفه و روایات دسته اول دانست، اما باید دانست که واقعیات اجتماعی و خطراتی؛ چون بازگشت به شرک، تکاثر و فخر فروشی، از دست دادن صبر و تحمل، برخی تفکرات خرافی ناسازگار با دین اسلام و ... که جامعه اسلامی را تهدید می کرد، از جمله دلایلی بودند که منجر به آن شده اند که توجه افراطی مردم به قبرستان ها از سوی پیشوایان دینی مورد نکوهش قرار گیرد. در پاسخ تفصیلی بر اساس آیه ۲۱ سوره کهف: "قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا"، ساخت مسجد در کنار قبور و طبیعتاً نماز در آن مسجد را نمی توان به تنهایی اقدامی مخالف موازین اسلام دانست، اما روایات موجود در این زمینه در دو دسته متفاوت، قابل ارزیابی هستند: گروه اول: روایاتی که نماز در کنار قبور اولیای الهی را نه تنها مجاز، بلکه دارای ثوابی مضاعف بر می شمرد. تواتر معنوی چنین روایاتی در احادیث اهل بیت (ع) به حدی است که جای هیچ توجیهی را برای مخالفت با آن باقی نمی گذارد، به گونه ای که تنها در ارتباط با نماز در جوار مزار سید الشهداء (ع)، سرفصلی در کتاب وسائل الشیعه وجود دارد که بیش از ده روایت در مورد ثواب آن نقل شده است. (شیخ محمد حسن نجفی، حر عاملی) گروه دوم: روایاتی چون احادیث موجود در قبرستان که ظاهرا ناظر به حرمت و یا کراهت ساخت مسجد و یا انجام فریضه نماز در کنار قبرها است. در این زمینه باید گفت: به دلیل صراحت قرآن کریم و روایات گروه اول، در جواز ساخت و ساز و نیز نماز در کنار قبور، ناچاریم روایات گروه دوم را مرتبط با آن نوع احترام به قبرها بدانیم که منجر به نوعی شرک، اسراف، فخر فروشی با استفاده از شخصیت مردگان و ... می شود، اما احترام متعارف به قبور اولیای الهی به دلیل آن که منافاتی با عبودیت پروردگار نداشته، بلکه در راستای آن می باشد، نمی توان آن را مشمول این ممنوعیت دانست. به عبارت دیگر، آیه شریفه و روایات دسته اول، حکمی ثابت را بیان می کنند، اما روایات دسته دوم ناظر به احکامی مقطعی هستند که حسب شرایط بیان شده اند. مخالفت با فرمان الهی را در نگاه اول، باید دانست که سجده در برابر قبرها به خودی خود، نمی تواند شرک آمیز باشد، همان گونه که نماز و سجده در مقابل کعبه، به معنای پرستش آن نیست، می توان فرضی را در نظر گرفت که نمازی روبروی نمادهای دیگری انجام شده، اما برای خدا باشد. نمونه این موضوع را می توان در فرمان خداوند به ملائکه در ارتباط با سجود بر حضرت آدم (ع) (بقره، ۳۴) و نیز دستور دیگر پروردگار در مورد نماز گزاردن روبروی مقام ابراهیم (ع) (بقره، ۱۲۵) مشاهده کرد و می دانیم که مقام ابراهیم تنها جای پای او است، اگر ساخت بنا و نماز در کنار و یا مقابل آن، نشانی از بندگی پروردگار باشد، نمی توان به عنوان مثال، نماز در کنار و حتی مقابل قبر ابراهیم (ع) در فلسطین را شرک بدانیم. اما با این وجود، چون خداوند قبله ای را مشخص نموده، نباید خودسرانه مکان دیگری را هر چند مقدس هم



باشد به عنوان قبله دیگری برگزینیم. این احتمال وجود دارد که لعنت یهود و نصاری از طرف پیامبر (ص) به دلیل آن بوده که آنها قبور پیامبران خویش را خودسرانه، قبله گاه خود قرار داده بودند و پیامبر (ص) نگران آن بود که بعد از رحلتشان، گروهی خودسرانه به جای کعبه، رو به قبر حضرتش نماز گزارند. و تکاثر و فخر فروشی: با مراجعه به تفاسیر (قرطبی، ۱۳۶۴) با جریانی برخورد می کنیم که طی آن افرادی از دو قبیله متفاوت، برجستگان و سرشناسان خود را به رخ طرف مقابل کشیده و هنگامی که سخن از زندگان به پایان رسید، مزایا و افتخارات مردگان قبیله خود را مطرح نمودند، تا آن جا که آیات اولیه سوره تکاثر نازل شد: "الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ. حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ... " افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است. تا آن جا که به دیدار قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن افتخار کردید) طبیعی است که چنین نگاهی به مردگان و سوء استفاده از نام و شخصیت آنان و ساختن مقبره های غیر معمول جهت پاسخ به تمایلات نفسانی نمی تواند مورد تأیید اسلام بوده و بسیاری از روایاتی که ساخت و ساز در مقبره ها را مورد نکوهش قرار می دهد، ممکن است منصرف به چنین رفتاری باشد که متأسفانه اکنون نیز در برخی مقابر خانوادگی مشابه آن را مشاهده می کنیم. و زیاده روی در سوگواری های عادی را با آن که در دین اسلام، سفارش فراوانی در ارتباط با صبر بر مصیبت های وارده وجود دارد، اما اکنون نیز مشاهده می کنیم که برخی افراد در سوگواری بر مردگان عادی، راه افراط را پیموده و گویا به اجر و پاداش صابرين اعتقادی ندارند. ممکن است پاره ای از روایات نیز ناظر بر آن باشند که نباید مرگ دوستان و آشنایان، انسان را از ادامه زندگی شرافت مندانه بازدارد. و منتفی دانستن بهره گیری مردگان از تزئین قبور را در گذشته های دور این تصور وجود داشت که مردگان بعد از مرگ نیز نیاز به غذا، مکان مناسب، زیور آلات و ... دارند و به همین دلیل در قبرهای باستانی موجود در تمدن های قدیم، آثاری از این گونه امور مادی به چشم می خورد. برخی از روایات نیز می توانند ناظر به آن باشند که تعمیر قبور با این دیدگاه سزاوار نبوده و امکانات مادی موجود در کنار قبر، نفعی به حال مردگان ندارد. و احتمال برگشت به بت پرستی: به دلیل آن که در صدر اسلام، هنوز رفتار شرک آلود، به خوبی از ذهن جامعه پاک نشده بود، احتمال برگشت عقاید جاهلی، مسلمانان را تهدید می کرد. به همین دلیل، پیامبر (ص) در پاره ای از مباحثات نیز اقدامات شدیدتری اتخاذ می کرد تا شرک ریشه کن شود. طبیعی است که بعد از ریشه کن شدن شرک، نیاز به شدت عمل کاهش می یابد. از جمله این اقدامات، دستور پیامبر (ص) به شکستن ظرف هایی بود که مشروب در آن نگهداری می شد، با آن که می دانیم که چنین کاری اکنون واجب نیست. برخی شدت عمل های پیامبر (ص) در ارتباط با قبور را نیز می توان در همین راستا ارزیابی کرد. به عنوان نمونه، اهل سنت معتقدند که ایشان مسلمانان را ابتدا از زیارت قبور نیز منع کرده بود، ولی با گذشت زمان، نه تنها این ممنوعیت برداشته شد، بلکه توصیه بدان نیز فرموده و آن را یادآور مرگ و قیامت و نیز موجب زهد در دنیا اعلام کرد (سنن ابن ماجه). با توجه به آنچه گفته شد و با نظر به واقعیات موجود در ارتباط با حرم امامان شیعه، می توانیم به این نتیجه برسیم که ساخت و ساز در اطراف مراقد شریف آنان، مشابه ساختن مسجد بر قبر اصحاب کهف و مکانی برای عبادت پروردگار ارزیابی شده و امکانات مادی موجود که یا برای



رفاه حال زائران بوده و یا نمادی از هنر اسلامی هستند، مصداقی از امور منفی یاد شده در ارتباط با قبور نمی باشند. بنابر این نمی توان از دیدگاه شرع، آن را نادرست دانست. قابل توجه است که مشابه چنین وضعیتی که ناشی از نیازهای عصر امروز است، در ساخت و سازهای برخی اماکن مقدس در حرمین شریفین نیز می توان مشاهده کرد؛ با آن که می دانیم که بر اساس روایات شیعه و سنی، عبادت بر کوه صفا در مکه ثواب فراوانی دارد، اما اکنون به دلیل محافظت از این کوه تاریخی بر گرد آن حصار کشیده شده و بر فراز آن نیز گنبدی افزاشته اند! زائران بیت الله، تنها می توانند در کنار نرده ها ایستاده و به عبادت مشغول شوند، ضمن این که سعی بین صفا و مروه که سابقاً در یک مسیر و در فضای باز انجام می شد، اکنون در طبقات مختلف و در محیطی سرپوشیده انجام شده و دلیل آن نیز افزایش تعداد زائران اعلام شده است. رعایت حرمت کعبه در هر حال لازم بوده، تا آن جایی که برخی روایات، ساختن هر بنای مرتفع تر از مکه را مکروه می دانند، (حر عاملی، محمد بن الحسن) اما اکنون در اطراف مسجد الحرام، ساختمان هایی وجود دارد که ده ها برابر مرتفع تر از کعبه می باشند! و مطمئناً در توجیه آن نیز نیاز زائران بیت الله عنوان می شود. حال پرسش های ما این است که آیا نمی توان با چنین توجیهاتی، برای زائران بقیع که علی رغم محدودیت های فراوان، در دشواری و ازدحام به زیارت می پردازند، فضای مناسب و مسقفی ایجاد کرد؟ و اگر گنبد نهادن بر کوه صفا و مروه نشانی از شرک نباشد، چگونه می توان همان گنبد را بر فراز قبور اولیای الهی، نشانی از شرک دانست؟ در پایان به روایتی از صحیح بخاری توجه نمایید که از سفیان تمار نقل کرده که من قبر پیامبر (ص) را که مانند کوهان شتر (تقریباً شبیه گنبدی کوچک) بود دیدم (صحیح بخاری).

تزئین کردن کعبه با طلا

ارزش و اعتبار در نگاه الهی به طلا و ابریشم و... نیست. بلکه این ها همه، زینت های دنیای فانی شمرده می شود، که برای امتحان ما بندگان در سوره طه، آیه ۱۳۱ آمده است: "زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِمْ فِيهِ وَ رِزْقٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى؛ زینت این دنیا هستند، (خواسته ایم) امتحان شان کنیم، روزی خدایت بهتر و پایدارتر است." و در نگاه الهی، آنچه سبب زینت است، خود کعبه است: پیامبر (ص) در می فرمایند: حق تعالی زمین را مشرف ساخت به خانه با حرمت و عزت، یعنی کعبه معظمه (فرحه الغری بصرحه القری) و ظاهراً سالیان زیادی کعبه حتی پرده نداشته است. در روایتی نصب پرده برای کعبه، به زمان حضرت سلیمان ارتباط داده شده است: امام صادق (ع) می فرمایند: سلیمان به همراه جن و انس و پرندهگان و باد به قصد حج بیرون آمد و خانه کعبه را با پارچه قبطی پوشانید و او اولین کسی بود که خانه کعبه را با پرده ای پوشانید (قصص الأنبياء). در روایت دیگری، کعبه در زمان حضرت ابراهیم (ع) بدون پرده بوده است: معصوم (ع) فرمودند: کعبه پس از آنکه ابراهیم علیه السلام از بنای آن پرداخت، همچنان عریان و بدون جامه بود (من لا يحضره الفقيه). اما از روایات استفاده می شود که در زمان ما حکم خاصی نسبت به زیور آلات کعبه وجود ندارد. در روایت آمده است که در نزد عمر بن خطاب از زینت های کعبه، و فراوانی آن، سخن به میان آمد، و گروهی گفتند: اگر آنها را می گرفتی، و در تجهیز لشکریان اسلام صرف



می کردی، أجرش جزیل تر و ثوابش بیشتر بود! عمر إرادة کرد تا این زینت‌ها را از کعبه بردارد، و در جیوش مسلمین صرف کند، و در این مسئله از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام پرسید. حضرت فرمودند: زینت آلات کعبه (امر تازه‌ای نیست) در زمان پیامبر (ص) بوده است، و خداوند آن را بر حال خود باقی گذارد (ومصرفی برای آن معین نمود) و این عدم بیان مصرف و باقی گذاردن به حال خود، از جهت آن نبود که خداوند نسیان و فراموش کرده باشد، و محلّ و مکان مصرف آن نیز مخفی و پنهان نبود، پس تو هم ای عمر، آنها را به جای خود ثابت و باقی بدار، همان‌طور که خدا و رسول او آنها را باقی گذاشتند (حکمت ۲۷۰ نهج البلاغه). سکوت پیامبر (ص) درباره سنت جاری درباره پرده کعبه از این روایت نیز استفاده می شود که: رسول اکرم فرمود: اگر بخوایم دنیا را به شما بخورانم می توانم، ولی اگر کسی از شما بعد از من بماند، صبح و شب برای او با کاسه‌ها غذاها و طعام خواهند آورد، در آن وقت یکی از شما صبح یک پیراهن خواهد پوشید و عصر هم یک پیراهن در بر خواهد کرد و خانه‌های خود را زینت می کنند همان گونه که کعبه را زینت می کنند. (بحار الأنوار ج ۶۷). البته از جهتی نیز باید گفت که عدم بیان حکم خاص برای پرده کعبه، نشان دهنده این نیست که کعبه همیشه این گونه زینت و زیور خواهد داشت: روایت شده است که عمر بن خطاب وارد حرم کعبه شد، و گفت: به خداوند سوگند که نمی دانم این خزینه و اموال سرشار، و این مقدار أسلحه را به حال خود باقی گذارم، و یا در راه خدا صدقه بدهم؟! علی بن ابیطالب فرمود: تو صاحب این اموال نیستی! صاحب این اموال جوانی است از قریش از قبیله ما بنی هاشم که در آخر الزمان آنرا در راه خدا تقسیم می کند (الغدیر، ج ۶).

نتیجه

مسجد مکانی برای ادعای نماز و عبادت است، نیز از روایات و کلام فقها به این نتیجه رسیدیم که تزئین مسجد با طلا و نقاشی نمودن عکس در مسجد نیز اشکال و کراهت دارد تزئین و آراستن قبور ائمه (ع) با طلا و نقره هیچ حرمت و منع شرعی ندارد، همچنان تزئین نمودن کعبه با طلا بنا بر احتیاط واجب و جایز نیست.



منابع

- فرهنگ عمید .
- آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۱۹۹؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۳.
- آل عمران/۹۶.
- برگرفته از روایات باب مسجد، وسائل الشیعه، ج ۳.
- جن/۱۸.
- فسیر معین، ص ۵۷۳، حدیث ۳.
- ذاریات/۵۶
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۳، ص ۲۹۵.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ج ۴۴۹.
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۱ و ۳۷۲.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق و مصحح: قوچانی، عباس و آخوندی، علی، ج ۱۴، ص ۹۰.
- برخی از فقیهان به حسب فتوا و عده ای دیگر بنا بر احتیاط.
- توضیح المسائل، محقق و مصحح: قلیپور گیلانی، مسلم، ص ۲۰۱. موسوی خمینی، سید روح الله.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق و مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۳، ص ۳۶۹.
- استفتاءات، ج ۱؛ موسوی خمینی، سید روح الله، ص ۱۵۰، س ۸۰.
- استفتاءات، ج ۱؛ موسوی خمینی، سید روح الله، ص ۱۵۰، س ۷۹.
- استفتاءات، ج ۱؛ موسوی خمینی، سید روح الله، ص ۱۵۰، س ۸۱.
- شوری/۲۳.
- معجم کبیر طبرانی، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۷ و تفسیر فخر رازی، دار احیاء التراث العربی، ج ۲۷، ص ۱۶۶ و هبثی، مجمع الزوائد، دار الکتب العربی، چاپ سوم، ج ۷، ص ۱۰۳.
- شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱۴، ص ۹۰.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۷، باب ۶۹- اسْتِحْبَابِ كَثْرَةِ الصَّلَاةِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَرَضًا وَ نَفْلًا...، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- بقره، ۳۴؛ اعراف، ۱۱؛ اسراء، ۶۱؛ کهف، ۵۰؛ طه، ۱۱۶ "وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ."
- بقره، ۱۲۵ "وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى."



- قرطبي، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ٢١، ص ١٦٩، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ١٣٦٤ هـ ش.
- سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٥٠١، ح ١٥٧١، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، دار الفكر، بيروت؛ "كنت نهيتكم عن زيارة القبور، فزوروها فإنها تزهد في الدنيا و تذكر الآخرة". (در این باره پاسخ ٨١٤٦_سایت: ٨٩٢٦) را مطالعه کنید.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، ج ١٣، ص ٢٣٥، باب ١٧، مؤسسه آل البيت، قم، ١٤٠٩ هـ ق.
- صحیح بخاری، ج ٢، ص ١٠٦، دار الفكر، بیروت، ١٤٠١ هـ ق.
- فرحة الغری بصرحة القرى، ص: ٢٨.
- قصص الأنبياء (قصص قرآن) ص ٥١٧.
- من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص: ٢٣٣.
- حکمت ٢٧٠ نهج البلاغه.
- بحار الأنوار ج ٦٧ ص ١٢٩.
- الغدیر، ج ٦، ص ١٧٧ و ص ١٧٨، حدیث شماره ٦٠. به نقل از امام شناسی آیت الله تهرانی، ج ١١، ص: ٢٤٠.